

فصل _____ لنگار





صاحب امتیاز: هیئت خادمین اهل بیت (علیه السلام)-
پردیس شهیده بنت الهدی صدر قزوین
سر دبیر: مریم علی نیا
مدیر مسئول: آناهیتا اسفندیاری
ویراستار: معصومه حیدری
طراح و صفحه آرا: فاطمه سلیمی
هیئت تحریریه: دکتر عاطفه امیری فر، فاطمه قدیانی، مهسا
سرابی، هانیه حیدری، مریم علی نیا، مبینا باقری، کیمیا یآوری،
مریم فلاح نسیمی زهرا اینانلو، آناهیتا اسفندیاری
استاد مشاور: دکتر سعید رسالتی (عضو هیئت علمی در دانشگاه
فرهنگیان قزوین)،
دکتر عاطفه امیری فر (مدرس در دانشگاه فرهنگیان قزوین)
با تشکر از: دکتر هادی کاظمی نژاد (مسئول نهاد نمایندگی مقام
معظم رهبری در دانشگاه فرهنگیان قزوین)،
مهندس مرتضی کریمی (مدیر اجرایی نهاد نمایندگی مقام معظم
رهبری در دانشگاه فرهنگیان قزوین)،
راه ارتباطی در پیامرسان بله:

@nashriemalja



فهرست

س.....خن رهبری.....۴

س.....خن سردیر.....۵

انتظار ب.....ر خط.....۶

نگار س.....تان جان.....۸

چ.....راغ راه.....۱۰

۱_ س.....یره امام ص.....ادق (ع).....۱۰

۲_ وقتی با دشمن صلح میش.....ود.....۱۲

مقص.....دی والایر.....۱۳

۱_ ش.....هیده بنت الهدی ص.....در.....۱۳

۲_ ش.....هید محمد ابراهیم همت.....۱۷

دع.....او دوا.....۲۰

پایداری تا ظه.....ور.....۲۳

نفح.....ات رب.....انی.....۲۴

فان.....وس.....۲۶

ب.....رش کتاب.....۲۸

فص.....ل نگار.....۲۹



سخن رهبری



هرجا مقاومت کردیم، جواب گرفتیم
برای یک کشور بدترین موقعیت این است که مسئولین کشور از اخم و تهدید و تشر دشمن بترسند؛ اگر ترسیدند، در واقع در را برای ورود او و دخول او و تجاوز و تعرض او باز کرده‌اند. کار را با عقل و با منطق و با حکمت باید انجام داد، در این تردیدی نیست، اما با شجاعت باید انجام داد؛ با ترسیدن، با دلهره، با تحت تأثیر تشر و بداخلاقی و اخم و گره ابروان قدرتمندان صاحب قدرت در دنیا قرار گرفتن، تحت تأثیر اینها واقع شدن، اول بدبختی است. خب کسی — میخواهد بترسد، بترسد اما از طرف مردم بترسد؛ به حساب مردم بترسد. ملت ایستاده‌اند.

۱۳۹۶/۱/۳۰

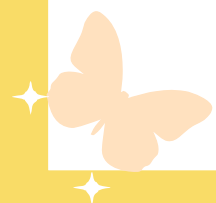




سخن سردبیر

با سلام خدمت همراهان گرامی
سومین شماره فصل نامه نشریه ملجأ را با شور و شوقی بیش از پیش، پیش روی شما
نهاده ایم، در بخش «نگرستان جان» با طراوت شعرهایی از اساتید و دانشجوین
همراه شدیم، جایی که وژه ها از دل برخاستند و به زبان نشستند، در بخش «فصل
نگار» مروری کوتاه اما ژرف بر رویدادها و لحظاتی داشته ایم که فصل گذشته را
رنگین تر ساختند، و در «نفحات ربانی» گام به ساحتی دیگر نهاده ایم، به سوی کتاب
آسمانی مان قرآن، کتابی که هنوز و تا همیشه حیرت می آفریند و جان را به تماشای
خواند، این فصل نامه حدیثی ست کوتاه از راهی بلند، که بی تردید با شما زیباتر ادامه
خواهد یافت.

مریم علی نیا





انتظار، بزرگ خط

تیت: منتظر المنتظرون

نویسنده: فاطمه قدیانی

هوگز بر غیابِ او نگاهِ ناامید نمیدوزیم که
اورا حاضر میدانیم و آمدنش را نزدیک.
چونان گیاهانِ عطشانی که انتظارِ بلران
را میکشند، ماریشه در خاک داریم و
محتاج چشمه سارِ وجودِ اوئیم؛ که بی
یاریِ او، گیاهِ ریشه دار در خاک، کجا
توانِ حُرکت و چله دارد؟

المنتظر یعنی هر جمعه ای که از راه
میرسد، از هر کناری چشم به راهِ آمدنِ
توئیم.
چونان انتظارِ آسمان برای رنگین کمان
پس از ب_____اران؛
انتظارِ گم گشته ای در بیابان برای یافتنِ
آب_____ادی...

هر صبح، وقتی منتظرانش دعای ندبه را
زم_____زمه میکنند، اورا میخوانند:
«أَيْنَ الْمُنتَظَرُ لِإِقَامَةِ الْأُمَمِ وَالْعَوَجُ؟»
(کجاست آن منتظر، برای برپایی حق و
از میان برداشتنِ کژی ها؟)

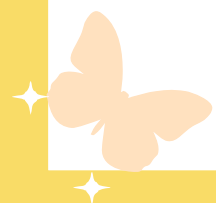
اما بر ماست که در روزگارِ انتظار، از پا
ننش_____ینیم و پرچمِ عدل را بر زمین رها
نکنیم؛

ب_____ه نام خ_____دای او
اوی که جهانیان با دیدگانِ خونبار و قلب
های بی صبر، انتظارش را میکش_____ند.
اوی که نجاتِ گرفتاران، پناهِ بی پناهان و
منجیِ جهانیان اس_____ت.

در روزگاری که جهل بر اس_____بِ قدرت
نش_____سته و بر پیکرِ آگاهی بشر میتزد؛
در روزگاری که پنجهِ خونینِ ظلم، گردنِ
نازکِ کودکان را میفش_____ارد و نفس را در
تنگنای س_____ینه شان می میراند؛
روزی که آسمان از عصیان تیره میشود و
زمین از قدمِ طاغوتیان به لرزه درمی آید،
او خ_____واهد آمد.

احرار و منتظران، اورا "المنتظر"
میخوانند؛ کسی که انتظارش را میکشند.
او پسرِ زهراست؛ مهدی موعود! کسی که
جهانیان انتظارش را میکش_____ند.
تنها کورسویِ امیدی که از میانِ ظلماتِ
جهان، بر وجودِ یخ بسته ناامیدان گرما
میبخش_____د.

انتظاری که در عینِ جان فرسا بودن،
جانبخش است؛ امید می رویاند و صبر می
آف_____ریند.

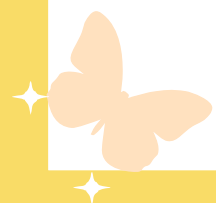




پرچمی که سالیانِ دراز است به خونِ بی
 گناهان و مظلومان سرخ شده، و
 تاروپودش با آهِ بی یاوران آشناست.
 این پرچم، عَلَمِ بر دوشِ سقّایِ نینوا بوده
 است؛ نخستینِ خونی که بر نخ به نخ آن
 دمیده شد، خونِ بازوانِ بریدهٔ عباس بود.

امروز، نوبتِ ماست که عَلَمِ را بر دوش
 بکشیم و نشانِ دهیم که منتظرانِ او
 چگ_____ونه اند:
 نه ناامید، که هر قطره اشکی که بازمزمهٔ
 دعای ندبه درهم می آمیزد، دانهٔ امید
 اس_____ست بر آمدنش؛
 نه خسته، که سربلزانِ راهِ حسینِ هو گز
 خس_____تگی نمیشناسند؛
 نه منفعل، که هر روز در راهِ رسیدن به
 آرمانِ حسی_____ینی در تکاپو و تلاشند.

اللّٰهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيَّكَ الْفَرَجَ وَالنَّصْرَ، نَصْرًا
 عَزِي_____زاً...
 خدایا، فرجِ ولی ات را شتاب ده و او را
 یاری کن، یاری ای شکس_____تناپذیر...





نگار ســـــتانِ جان

شاعر: سرکار خانم دکتر عاطفه امیری فر

(مدرس در دانشگاه فرهنگیان قزوین)

انتظار، تنها یک چشم به راهی نیست...
 پروانه ای است که خود را به شعله ظهور
 پیوند زده است.
 از انتظار عاشقانه، تا فریادِ فرجی که از
 جانِ شعر میجوشد:

عشق را مجال رسیدن اگر باشد،
 عاشق را تاب انتظار نیست.
 که جامیست
 انتظار
 میگون
 لبریز رنج بیشمار.

گفتم محبوب من!
 سرگشته محبت معهود
 کجا رود؟ که راه
 دور است و دشوار
 و آدمی گرفتار
 در بند امیدهای بزرگ
 و جهان اگر چه بر وفق مراد
 نقشیست بر دیوار.

گفت از «فَأَيُّمَا تَوَلَّوْا...» (۲)
 چشم انتظار گوشه ادبار!
 هو گوشه ای نظر کن و
 برگیر جرعه ای!
 از جاری تجلی من
 «فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (۲).

پرسیدم کجاست آفتاب روی شما؟
 که شب، دیجور است و راه دشوار
 گفت به خواستن ادامه بده
 به کوفتن راه.
 که از در استمرار
 چشمت
 روشن خواهد شد به نور دیدار
 «من طلب شیئا و جدّ وجد،
 و من قوع بابا و لجّ ولج» (۱)
 این خوش ودیعه
 به یاد دار!

۱. حدیث به نقل از مولای متقیان علی(ع)
 ۲. بخشی از آیه شریفه آیه ۱۵ سوره بقره.





مبارزه با ظلم

امام صادق (علیه السلام) به صورت فعال با ظلم و ستم مبارزه میکردند. این مبارزه را با تأسیس حوزه های علمی و تربیت شاگردان آغاز نمودند و در برابر تحریفات و انحرافات ایستادگی کردند. ایشان حکومت های ستمگرا به رسمیت نمیشناختند و همواره بر افشای ظلم های حاکمان تأکید داشتند. همچنین امر به معروف و نهی از منکر را از اصول اساسی مبارزه خود قرار دادند.

عبادت

امام صادق (علیه السلام) در عبادت و اطاعت پروردگار، سرآمد زمانه خود بودند و در این راه نهایت اخلاص را رعایت میکردند. ایشان فرمودند: «برترین اعمال نزد خداوند در روز قیامت، نماز است و هیچ بنده ای برتر از کسی نیست که وضو را به نیکوترین صورت انجام دهد.»

همچنین در مورد روزه میفرمودند: «هنگام روزه داری، باید گوش، چشم و زبانت نیز از گناه روزه باشد. از جدال بپرهیز، به خدمتکارت آزار مرسا، وقار روزه را حفظ کن و مبادا روز روزه داری ات مانند روزهای عادی باشد.»

امام صادق (علیه السلام) بیشتر روزهای عمر شریف شان را روزه دار بودند و این حالتی ویژه در ماه مبلک رمضان مییافت.

خبرگزاری بین المللی قرآن <https://iqna.ir> ظلم ستیزی
امام صادق (ع) با شمشیر بُرنده

علم
پایگاه اطلاع رسانی حوزه <https://hawzah.net> عبادت
امام صادق علیه السلام





چراغ راه

۲_ وقتی با دشمن صلح می‌شود

نویسنده: مریم علی‌نیا

پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «**الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ إِمَامَانِ قَامَا أَوْ**»

یعنی امام حسن (علیه السلام) معصوم هستند و هر تصمیمی بگیرند درست است. همچنین امام با لشکر خود آماده نبرد بودند، این سرداران سپاهشان بودند که همراهی با معاویه را ترجیح دادند به طوری که امام فرمود حتی اگر بیست یار واقعی داشتم مبارزه میکردم.

در زمان امام حسن (علیه السلام)، معاویه هنوز دست به اقداماتی نزده بود که ماهیت واقعیش برملا شود و تحت عنوان "امر به معروف و نهی از منکر" زمینه ای برای قیام وجود داشته باشد.

به بیان دیگر، اگر امام حسن (علیه السلام) تا پس از معاویه زنده میماند و در موقعیتی مشابه امام حسین (علیه السلام) قرار میگرفت، قطعاً قیام میکرد.

امام حسن مجتبی (علیه السلام) از شخصیت های بسیار بخشنده، شجاع و عابد زمان خویش بود و به عنوان نمونه ای از انسان کامل، کلام و رفتارش الگوی مناسبی برای بشریت است.

بزرگترین شبهه های که درباره این شخصیت بزرگوار وجود دارد، ماجرای صلح ایشان است. آیا ایشان با وجود صلح با معاویه، فردی شجاع و جنگاور محسوب میشود؟ آیا راه ایشان باراه برادرشان، امام حسین (علیه السلام)، متفاوت بوده است؟ در پاسخ باید گفت شرایط در زمان امام حسن (علیه السلام) به گونه ای بود و در زمان امام حسین (علیه السلام) به گونه ای دیگر؛ به طوری که اگر هر یک از این بزرگواران به جای دیگری بودند، راهی مشترک در پیش میگرفتند. به عبارت دیگر، صلح امام حسن (علیه السلام) زمینه را برای قیام امام حسین (علیه السلام) فراهم کرد. لازم بود امام حسن (علیه السلام) مدتی کناره گیری کند تا ماهیت پنهان و مخفی امویان برای مردم آشکار شود و زمینه برای قیامی که در آینده باید صورت میگرفت، فراهم گردد.

از کتاب صلح امام حسن (علیه السلام) از شهید مرتضی مطهری

مقصود مدی والاتر

۱- از کتاب‌های درس تا صحیفه نور شهیده بنت‌الهدی صدر

به تحریر: مبینا باقری

جلسات پرسش و پاسخ که معمولاً در پایان سخنرانی یا جلسه‌های احکام و قرآن و گزار می‌شد بسیار پربار و آموزنده بود و ابهام‌های دینی، اجتماعی و فرهنگی خانم‌ها را برطرف می‌کرد. مهمترین فعالیت سیاسی بنت‌الهدی صدر، سخنرانی در حرم مطهر امام علی (علیه السلام) و پس از دستگیری دوم آیت‌الله سید محمدباقر صدر بود. او در پاسخ به هشدار دوستان برای سکوت گفت: «مسئولیت شرعی و وظیفه دینی هم حکم میکند که چنین موضعی در پیش بگیرم. اکنون زمان سکوت سپری شده و ما باید مرحله جدیدی از جهاد را شروع کنیم، ما زیاد سکوت کرده ایم و هرچه این سکوت به درزا بکشد محنت و رنج ما بیشتر خواهد شد. چرا من سکوت کنم در حالی که میبینم مرجع مظلومی در چنگ این جنایتکاران گرفتار شده است؟»

او از شهادت نمیترسید و میگفت: «خدا گواه است که شهادت در راه او آرزوی من است. من این رژیم را میشناسم؛ رژیمی است ددمنش، جنایتکار و بیرحم که در مرام آن مردوزن، کوچک و بزرگ فرقی ندارد.

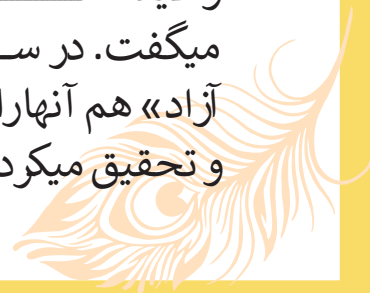
بلرها نجواکنان نامش را با قلم شجاعت بر گوش جان شنیدم اما، هزاران افسوس که نمیشناختمش اما این نه نامش بلکه سیرت و ذاتش بود که؛ دفتر زندگی پرفراز و نشیبش را برایم بار دیگر ورق زد. شاید تو هم بلرها به عیان نامش را شنیده باشی. او اسوه ایست که در ترنم گذر زمان شاید کمتر شادات هایش بر قلم روزگار حک شده است. او دختر هدایت شده، مظهر عشق و نماد ایثار و رشادت است، او مکتبی است بر سیرت دلدادگان در مسیر ایثار جان، او در و صوف ترعه جانان شعر می سرود و مینگاشت از آنچه سرگذشت گذراند در حیث خوبان.

ورق میزنم روایت زندگی اش تا بخوانی و بدانی روایت دلدادگان. در دهه اول ماه محرم دختری از تبار هدایت در شهر کاظمین متولد شد؛ پدرش سید حیدر نام داشت، که نام دخت خویش را آمنه نهاد، سیده آمنه تنها شش ماهه بود که دست ستم روزگار عشق پدر و مرجعی بزرگ از شیعیان را گرفت. آمنه مدتی پس از آن به مکتب خانه رفت و تا حدی در مرز علم و دانش پیشرفت که عایشه بنت الشاطی از او پرسید: شما از کدام دانشکده فراغ التحصیل شده اید؟ او گفت: من فراغ التحصیل مدرسه خودمان هستم.



من تازمانی که مطمئنم موضع و اقدامم برای کسب رضای خدا و برای اوست، دیگر فرقی نمیکند که زنده باشم یا کشته شوم.» خانواده علمای زیر نره بین نظام بعثی و مردم قرار داشت. بسیاری از علما تصمیم گرفتند فرزندان خود را محدود کنند و از اثرات محیطی بر آنها بکاهند؛ چنین شد که مانع ورود دختران به مدارس شدند. چرا که این مدارس دین زدایی میکردند. به عنوان نمونه شرط ورود به مدارس دولتی بی حجابی بود. کم کم با پیشرفت وسایل ارتباطی و ورود علم به کشور زنگ خطر به صدا درآمد. آیت الله خویی و علامه مرتضی عسکری، در دوزمان و مکان مختلف و متفاوت مدارس راه اندازی کردند تا قشر جوان خانواده های دینی را آموزش دهند. بعد از مدتی به فکر افتادند که مدارس دختران را نیز به موازات مدارس پسرانه تشکیل دهند؛ مدرسه «الزهرا (س)» را در کاظمین و مدرسه «جامعه تعلیمات اسلامی» را در نجف تأسیس کردند. مدیریت مدارس بر عهده بنت الهدی صدر قرار گرفت که از زنان اندیشمند، عالم و فرهنگی آن زمان بود و تأکید بر آموزه های اسلامی داشت. او تدریس میکرد و تمام شاگردان را به نام میشناخت و برای آنها مستقیم و غیر مستقیم از دنیای اسلام، از مظلومیت شیعه و از وظیفه سنجینی که بر دوش دارند میگفت. در ساعت درسی «مطالعه آزاد» هم آنها را وادار به نوشتن، خواندن و تحقیق میکرد.

نماز خواندن را بیان میکرد. شعر میگفت و آنها را برای دختران میخواند؛ حتی برای دوره پیش از دبستان شعر میگفت و برای آنها مراحل وضو گرفتن و استفاده از عبا در هر دو مدرسه و استفاده از پوشیه و روبند در مدرسه نجف اجباری بود؛ چون در جامعه شایعه شده بود که زنان بی پروا شده اند و میخواهند با مدرسه رفتن بی حجاب و متجدد شوند. حتی به روی دختران زباله می انداختند و آنها را اذیت میکردند. بنت الهدی نیز به آنها روحیه میداد تا با تأکید بر آموزه های دینی، علم بیاموزند و برایشان این چنین می سرود: «شما دختران رسالت هستید که این گونه پوشیده اید... دختران محمد (صلی الله و علیه و آله و سلم) پایبند به اسلام باشید، به رسالت محمد و اسلام اعتماد کنید تا رستگار شوید.» کمی که گذشت فشار دولت بعثی باعث شد که مدیریت رارها کند اما مدرس باقی ماند و بر فعالیت های پرورشی و تربیتی نظارت داشت؛ سه روز در نجف و سه روز در کاظمین. در آن دوران که کسی به دختران اهمیت نمیداد او برگزاری جشن تکلیف برای دختران را به عنوان آشنا کردن آنها با مسئولیت های جدیدی که بر دوش آنها گذاشته میشود بنیان گذاشت. ساعت هایی هم که در مدرسه نبود با برگزاری کلاس در منزل به همراه همسر — برادرش، خانم فاطمه صدر (خواهر امام موسی صدر) و مادرش به مباحث قرآن و بیان احکام میپرداخت.





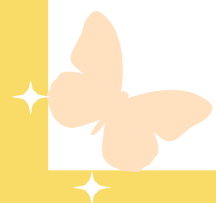
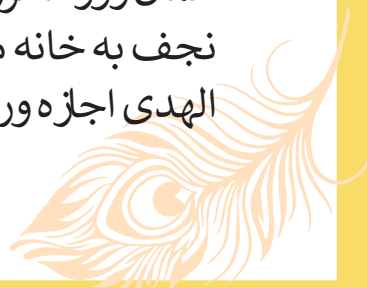
معاون اداره امنیت نجف ادعا کرد که آیت الله صدر خواسته تا بنت الهدی به بغداد برود. او لباس هایش را عوض کرد و آستین های پیراهنش را محکم بست تا دستانش پوشیده باشد. مادر او خواست تا دخترش را همراهی کند اما مأموران مانع شدند و گفتند که اگر تو بیایی، تورا از ماشین به بیرون پرت میکنیم. سید محمدباقر صدر را به سختی شکنجه میدادند. ریش و ابروهایش را سوزانده بودند و بدنش زخمی و خونی بود. او را با بندهای آهنی بسته بودند و با تازیانه به سر و صورت او میزدند. علویه بنت الهدی بیهوش در اتاق دیگری افتاده بود. صدام شخصاً آن دو را محاکمه میکرد و حکم دادگاه بعد از حمله امریکایی ها در اختیار خانواده قرار گرفت.

در روز ۱۳۵۹/۱/۲۰ سید محمدباقر صدر و بنت الهدی صدر را پس از چندین روز شکنجه به شهادت رساندند. در طی سالها شهادت و محل دفن خواهر و برادر شهید نامعلوم بود و حتی مادر شهید تا پایان عمر متوجه شهادت این دو عزیز نشد. روایت و محل دفن آیت الله سید محمدباقر صدر را پسر — عمویش بعد از سالها به همسر — ش و سپس به ام جعفر همسر — آیت الله صدر بیان کرد اما در مورد محل دفن بنت الهدی صدر کسی — چیزی نمیدانست.

دوران سخت محصره برای درهم شکستن مقاومت آیت الله سید محمدباقر صدر در دو مرحله اجرا شد. در مرحله اول به مدت دو هفته رفت و آمد به خانه سید قطع شد و مأموران مانع ورود همه کس و همه چیز حتی مواد غذایی به خانه سید شدند. مأموران رژیم بعثی بعد از مدتی اجازه ورود مواد غذایی را به داخل خانه دادند. محصره ۱۱ ماه طول کشید و تنها در یک مدت کوتاه بنت الهدی به بهانه زیارت امام علی (علیه السلام) خانه را ترک میکرد و با تعویض کفش و چادر پیام های — برادرش را به دوستان میرساند.

قطع آب و برق خانه، شکستن شاه لوله آب و ورود آب به خانه برای آوار کردن خانه بر سر ساکنین، عدم مجوز ورود به افراد، مذاکره وزیر کشور با سید آیت الله محمدباقر صدر و... هیچ یک مقاومت این خانواده را در هم نشکست.

روز شنبه ۱۶ فروردین ۱۳۵۹ ه.ش ساعت دو و نیم بعد از ظهر، رئیس اداره امنیت نجف به همراه معاون به ملاقات خانواده صدر آمده و او را دستگیر کردند. همان روز مأموران امنیتی کوچه و خیابان را توک کردند، فردای آن روز مأموران امنیتی باز منزل را به محصره درآوردند و افراد حاضر در خانه تصور کردند که آیت الله رها شده است و به خانه باز میگردد. همان روز مأموران و معاون اداره امنیت نجف به خانه مراجعه کردند. علویه بنت الهدی اجازه ورود به خانه را نداد.





بعد از آرامش و تغییر حکومت، خانواده صدر برای یافتن قبر بنت الهدی صدر بسیار کوشش کرد اما روایت های متعدد باعث عدم حل این مسئله میشد و تنها میتوان گفت که

بنت الهدی مانند جدش حضرت زهرا (سلام الله علیها) مظلوم زیست، غریب شهید شد و هو گز کسی - ندانست که او در کجا دفن شده است.



بانوی تاریخ ساز شیعه

شهادت بنت الهدی صدر | ۲۴ جمادی الاخری ۱۴۰۰

زن جوان شجاع عالم متفکر هنرمندی به نام خانم بنت الهدی [صدر] توانست تاریخی را تحت تأثیر خود قرار دهد و در عراق نقش ایفا کند؛ البته به شهادت رسید. عظمت زنی مثل بنت الهدی، از هیچیک از مردان شجاع و بزرگ کمتر نیست.

۲۳/۴/۲۰
@khamenei_history





مقصودِ دى والاتر

۲_ شهيد محمد ابراهيم همت

نويسنده: فاطمه ذوالقدر

اما همانگونه که برخی جانها برای اهدافی فراتر آفریده میشـــوند، همت نیز در محدوده زندگی عادی نگنجید. با وزیدن نسیم انقلاب، به صف مبارزان پیوست و نقش مؤثری در تشکیل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در شهرضا ایفا کرد. آینده ای که برای خود ترسیم کرده بود، دیگر محدود به تعلیم دانش نبود؛ بلکه همدایت دلها و حفاظت از آرمان های انقلاب را در بر می گرفت.

میدان نبرد؛ جلوهگاه ایثار و رشادت

با آغاز جنگ تحمیلی، همت دیگر تنها یک معلم نبود؛ او فرماندهای رزمنده، رهبری حماسه ساز و نماد مقاومت بود. در میان آتش و خون، ایستاد؛ نه از سر اجبار، بلکه از روی انتخاب. لشکر ۲۷ محمدرسول الله (ص) تحت فرماندهی او به یکی از تأثیرگذارترین نیروهای دفاع مقدس تبدیل شد. در عملیات های بزرگی مانند فتح المبین، بیت المقدس، رمضان، والفجر مقدماتی و خیر، فرماندهی او بینظیر بود. همت تنها به پیروزی نمی اندیشید؛ برای او پایداری، حفظ ارزش ها و معنای راستین مقاومت اهمیت داشت.

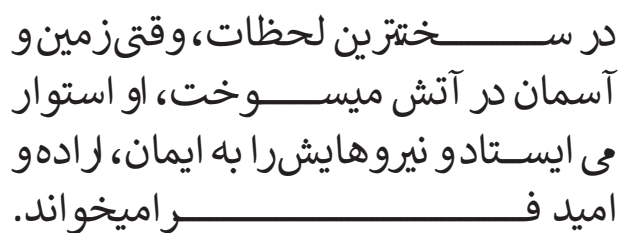
محمد ابراهيم همت؛ آفتاب ایثار در افق تاریخ

در سرزمینی که از جان های پاکش نور میگیرد، نام هایی جاودانه میشـــوند؛ نام هایی که نه تنها بر صفحات تاریخ، بلکه بر دل های عاشقان ایثار و مقاومت نقش بسته اند. یکی از این نامها، محمد ابراهيم همت است؛ مردی که نه تنها فرمانده ای در میدان نبرد، بلکه معلمی در مدرسه عشق بود، الگویی از ایمان و شجاعت و نمادی از ارادهی خدشـــهناپذیر.

طلوع همت از قلب تاریخ

محمد ابراهيم همت در دوازدهم فروردین ۱۳۳۴ در شهرضا، دیار مردان بزرگ، چشم به جهان گشود. کودکی او سرشار بود از شور و شعور، پرسش های بی پایان و عطشی سیری ناپذیر برای فهم حقیقت. او در کلاس های درس، نه تنها دانش می آموخت، بلکه بذر اندیشه را در ذهن خود می کاشت. روحیه مسئولیت پذیری، عشق به مردم و تلاش برای ساختن آیندهای روشن، او را به مسیری تعلیم و تربیت کشـــاند.





A color portrait photograph of a man with dark, wavy hair and a full, dark beard. He is wearing a light-colored, possibly khaki, collared shirt. He is looking slightly to the left of the camera with a neutral expression. The background is a plain, light-colored wall. The lighting is soft and even, highlighting his facial features. The overall tone of the photograph is slightly warm, characteristic of older film prints.

آنچه همت را از دیگر فرماندهان متمایز میکرد، نه تنها شجاعتش در میدان نبرد، بلکه اندیشه بلند، قلبی بزرگ و ایمانی ناب بود. از ویژگی های برجسته او میتوان به این موارد اشاره کرد:

توجه ویژه به بسیجیان: او نه فرمانده ای
مستبد، بلکه پیری دلسوز برای
نیروهایش بود.

ایمان عمیق: در سخت‌ترین شرایط،
اعتقادش به نصرت الهی هو گز سست
نشد.

فروتنی و ساده زیستی: همت همان غذایی را میخورد که سر بلزانش میخورند و همان رنجهارا تحمل میکند.

تفکر را هبردی: او نه تنها به جنگ، بلکه
به آینده‌ی کشور میان‌دیشید.

1_ کتاب شهید همت، انتشارات روایت فتح

۲- شرح عملیات‌های دفاع مقدس، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس

۳_ مصاحبه‌های منتشر شده از هم‌زمان و خانواده‌ی شهید در سایت‌های مرتبط با دفاع مقدس

۴_بیانات و تحلیل‌های رهبر انقلاب

شهادت؛ عروج مردی آسمانی

در هفدهم اسفند ۱۳۶۲، در عملیات خیر، آسمان، محمد ابراهیم همت را به سوی خود خواند. او که همیشه آماده فداکاری بود، اینبار جان خود را بر سر آرمان هایش نهاد. اما شهیدان نمی‌میرند؛ تنها از دنیای خاکی به دنیای دلها کوچ میکنند.

نام همت، نه یک خاطره، که راهی روشن، چراغی فروزان و مسیری همیشگی است. او نمونه ای از مردانی است که تاریخ را نمی‌خوانند، بلکه می‌سازند. و این راه، پایانی ندارد؛ راه او همچنان ادامه دارد.



امید به آینده؛
همت هایی که خواهند آمد...

این سرزمین همواره ستلگانی چون همت را در آغوش خواهد داشت. آنان که ایستادند، آنان که ایستاده‌اند و آنان که خواهند ایستاد، همه در مسیری گام میزنند که ایمان، شجاعت و عشق هموارش کرده است.

ای همت!
یادت جاودان، راهت پررهور، و نامت
در قلبها ماندگار.



دعا و دوا

۱- تیترا: دعای مرزبانان

نویسنده: کیمیا یآوری

همان دعایی که از خدا می‌خواهد
حافظان مرزها را به فرشتگان بسپارد،
دل هایشان را لبریز از شوق لقای الهی
کند و تیرهایشان را به هدف برساند.
فلسطین، خاکی است آغشته به آیات
این دعا. و هر مادری که فرزندش را روانه
میدان میکند، همان مناجات گریست
که در دل شب، دعای سیدالساجدین را
زمزمه میکند:

* «اللَّهُمَّ احْفَظْ تُغَوَّرَ الْمُسْلِمِينَ بَمَنْ فِيهَا...»*
ای خدای مرزها، ای نگهبان دل‌های
پر شور، حافظ این سنگرهای الهی باش.
آمین یا رب العالمین.
چند فرازی از دعای مرزبانان امام سجاد
علیه سلام:

* «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَكَثِّرْ عَدَّتَهُمْ،
وَاشْعِظْ أَسْلَحَتَهُمْ، وَأَهْرُسْ مُرَافِقَتَهُمْ»*
ترجمه:

خدایا! بر محمد و آل او درود فرست، و
شمار مرزبانان را فزونی بخش،
سلاحشان را تیز گردان، و سرزمین شان را
پاسدار

دعای مرزبانان؛ نجوای آسمانی برای
سنگرهای بی نام و نشان در سحرگاهان بی
صدا، آنگاه که شب هنوز ردای تاریکی را از
دوش برنگرفته، امام سجاد علیه السلام
با دلی خونین و چشمانی اشکبار، زبان به
دعایی می‌گشاید که از دل تاریخ تا عمق
وجدان بشریت طنین انداز شده است؛
دعای مرزبانان.
دعایی نه فقط برای نگهبانان مرزهای
خاک، که برای حافظان مرزهای
حقیقت، کرامت و ایمان.
در کلمات این دعا، ضربان قلب همه
مجاهدانی شنیده می‌شود که با قامت
های استوار و دل‌های مملو از یقین، در
برابر سیاهی ایستاده اند. امروز، امتداد
این دعا را میتوان در چشمان کودک
فلسطینی، در سنگی که به سوی تانک
پرتاب می‌شود، و در لب‌خند شهیدی دید
که لب بر خاک اما دل در آسمان دارد.
مرزهای مقاومت، فقط خطوط جغرافیا
نیستند. امروز، مرزبانان امام، در غزه اند،
در لبنان، در یمن، در سوریه و در هر
نقطه‌ای که ظلم، حق را به مبارزه
خوانده است. هر شهیدی که به آسمان
میرود، چون مصداقی از این دعا است؛





* «وَالْفُتَىٰ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، وَأُخْلِفَ خَائِذُهُمْ، وَ
كَذُّهُمْ عَلَىٰ مَا فِيهِ مَضَلَّةُ الْأُمَّةِ» *

ترجمه:

دل‌های شان را به هم نزدیک ساز، در
میان‌شان اصلاح پدید آور، و آنان را بر
آنچه به صلاح امت است، پایدار بدار.

* «وَأَشْرَفُهُمْ بِالْكَفَايَةِ، وَأَتَمَّهُمْ مِنَ الْجَنِّ، وَ
عَلَّمَهُمُ الْبَيِّنَاتِ وَفَصَّلَ لَهُمُ الْمَخَارِجَ» *

ترجمه:

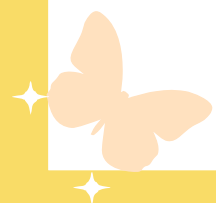
آنان را از هر سو کفایت فرما، از ترس بی
نیازشان ساز، حيله ها و راه های نجات را
به آنان بیاموز.

* «اللَّهُمَّ اجْعَلْهُمْ رَمَاقَةً بِأَسْهُمِهِمْ، كَاوِيْنَ
بِمَا حِمَمَهُ، يَكْذِبُونَ عَنْ مُرْمِهِمْ، وَيُجَاهِدُونَ فِي
سَبِيلِكَ» *

ترجمه:

خدایا، آنان را تیراندزانی بساز که تیرشان
به هدف نشیند، و نیزه دلرانی که دشمن را
از مرزها دور کنند، از حریمشان پاسداری
نمایند و در راه تو جهاد کنند.

تفسیر حجت الاسلام المسلمین استاد عابدینی _ صحیفه
سجادیه





دعا و دوا

۲_ تیترا: ذکر کوتاه، دعای مطالعه

نویسنده: مهسا سرابی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

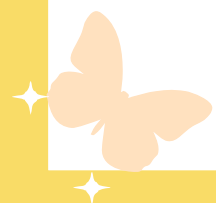
اَللّٰهُمَّ اَخْرِجْنِيْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ

و اَكْرِمْنى بِنُورِ الْفَهْمِ

اَللّٰهُمَّ افْتَحْ عَلَيْنَا ابْوَابَ رَحْمَتِكَ

وَانْشُرْ عَلَيْنَا خَزَائِنَ عُلُوْمِكَ بِرَحْمَتِكَ يَا رَحْمَ الرَّاحِمِيْنَ

خدایا مرا بیرون آور از تریکی های وهم، و به نور فهم گرامی ام بدار، خدایا درهای رحمت را به روی ما بگشای، و خزانه های علومت را بر ما باز کن به مهربانی ات ای مهربان ترین مهربانان.





پایداری تا ظر

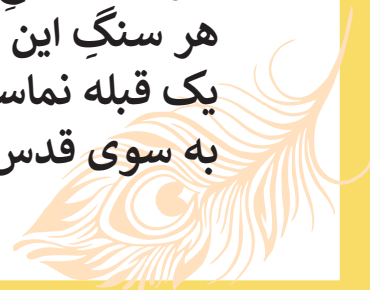
نویسنده: آناهیتا اسفندیاری

و کودکانِ غزه،
با قلاب پاره های اسباب بازی شان،
دیوارهای ترس را میشکنند!
ای جهان!
اگر روزی پوسترِ کودکِ شهیدمان را
روی دیوارت دیدی،
بدان که:
آن چشم های بسته،
در واقع خوابِ پیروزی را میبینند!
غزه!
تو کتابِ زندهٔ تاریخ هستی،
و من،
قلمی که،
تا آخرین نفس،
روایتت را خواهم نوشت.



«باد که از روی تپه های غزه میگذرد،
هنوز بوی باروت و خون میدهد... بوی
آرزوهای نیمه تمام کودکانی که زیـــــر
آســـــمان محصره، رویای پرواز را در
آغوش کشیدند و رفتند. اما زمین، هو گز
تسلیم نمیشود. زمین، فریاد میزند. زمین،
مقاومت مـــــیکـــــند...»

«شب های غزه، بلندترین شب های
دنیاست...
ستاره ها هم اینجا ترسیده اند، پشت
ابرهای دور پنهان میشوند.
ماه که می آید، روی پشت بام های
ویران میخزد،
مثل مادری که جسد فرزندش را میان
آوار جست و جو میکند...
و من، میان این همه زخم،
هنوز صدای خنده هایشان را
میشنوم؛
خنده های ناتمامی که روی لب های
یخزدهٔ شهدا ماند...»
اما...
از دل همین شب،
خورشیدِ سرخِ خشم زاده میشود!
هر سنگِ این خاک،
یک قبله نماست که جهت اش را تنها
به سوی قدس میشناسد...





درست زمانی که نمیتوانستی راه بروی، با صبر و حوصله مراقبت بودند تا زمین نخوری و بتوانی گام برداری. حالا تصور کن کودکی را اینگونه پرورش دهی و سپس همه چیز را نادیده بگیری! این رفتار، و رای هر گونه اخلاق انسانی است.

اگر پدر و مادر دیگر در برخی زمینه ها نمیتوانند از تو حمایت کنند، دلیل نمیشود که آنها را رها کنی. عزیز من! برعکس، اکنون زمان آن است که ثابت کنی لیاقت این میراث را داری...



چرا؟!

چون این بخشی از هویت توست. چون درست زمانی که به حمایت نیاز داشتی، همان مادری که امروز با او اختلاف نظر داری، از تو مراقبت کرد...

چون درست زمانی که حتی نمیتوانستی بنشین، همان پدری که امروز به تو سخت گرفته و حرف های غیر منطقی زده، مانند فرشته از تو نگهداری کرد...

این مثال هارا میتوان به مادر میهن مان ایران تعمیم داد. درست زمانی که نمیتوانستی دو به اضافه دو چند میشد، معلمان را برای آماده کردن و آنها را موظف ساخت تا به تو دانش بیاموزند، حتی اگر روش هایشان کامل نبوده باشد!

درست زمانی که نمیتوانستی ارتباط مناسبی برقرار کنی، در مدرسه به تو مهارت های اجتماعی آموختند، حتی اگر شیوه آموزش شان جهان اولی نبوده باشد، این تمام چیزی بود که در آن زمان داشتند. جهان اولی که آنها میگویند، با جهان اولی که ما میشناسیم فرق دارد. جهان اول واقعی یعنی زندگی بر پایه فطرت، اخلاق و عبودیت، نه فقط رفاه مادی ساختگی. رفاهی که بسیاری از آنها با غارت ثروت ملت ها به دست آورده اند...





نَفحات ربانی

مهربانگ در قرآن: شاهد علمی بر حقانیت وحی

نویسنده: زهرا اینانلو

جهان در حال انبساط: معجزه علمی قرآن که قرن ها پیش از کشش دانشمندان آشکار شد

همخوانی قرآن با نظریه مهبانگ
سوره الانبیاء آیه ۳۰ پرده از رازی دیگر
بر میدارد:

"أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا" (آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند و ما آنها را از هم جدا کردیم؟)

آسمان ها در حال گسترش هستند و کهکشان ها پیوسته از یکدیگر دور میشوند. این کشف شگفت انگیز که در قرن بیستم توسط اخترشناسان به اثبات رسید، حیرت انگیزتر آنکه چهارده قرن پیش در قرآن کریم به آن اشاره شده بود.

این توصیف به طرز حیرت آوری با نظریه مهبانگ (بیگ بنگ) که میگوید جهان از حالت بسیار فشرده اولیه آغاز شده و سپس انبساط یافته، همخوانی دارد.

در سوره الذاریات آیه ۴۷ میخوانیم: "وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ" (و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم و بیگمان ما گسترانندهایم)

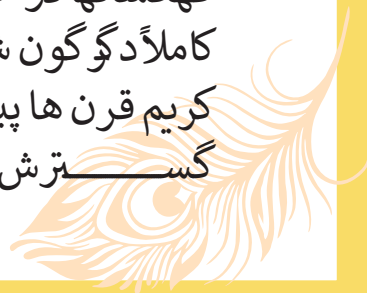
جالب آنکه این نظریه در دهه های میانی قرن بیستم به عنوان نظری های علمی پذیرفته شد، در حالی که قرآن در قرن هفتم میلادی به این حقیقت اشاره کرده بود.

نکته قابل تأمل اینجاست که تا سال ۱۹۲۹ میلادی، جامعه علمی جهان بر این باور بود که کیهان ثابت و بدون تغییر است.

گسترش جهان با قدرت: اشاره به انرژی تاریک؟

نکته ظریف دیگری که در آیه ۴۷ سوره الذاریات وجود دارد، استفاده از واژه "بِأَيْدٍ" به معنای "با قدرت" است.

این دیدگاه تازمانی که ادوین هابل بارصدهای تلسکوپ خود دریافت کهکشانها در حال دور شدن از یکدیگرند، کاملاً دگونگون شد. اما شگفت آنکه قرآن کریم قرن ها پیش از این کشش، به گسترش آسمان ها اشاره کرده بود.





امروزه اختر فیزیکدانان به وجود نیروی مرموزی به نام انرژی تاریک باور دارند که باعث شتاب گرفتن انبساط کیهان میشود. آیا این عبارت قرآنی میتواند اشاره‌ای به همین نیروی ناشناخته کیهانی باشد؟



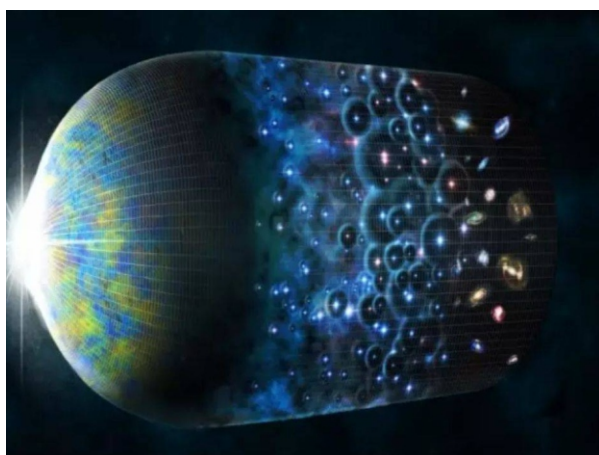
قرآن: پیشگویی‌های علمی بینظیر

مرور این آیات نشان میدهد که قرآن کریم به حق اولین کتاب کیهانشناسی تاریخ است که:

- پیش از کشف هابل، از انبساط آسمانها خبر داد

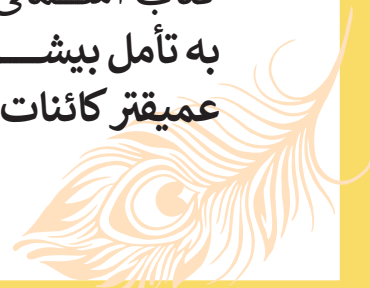
- پیش از نظریه مهبانگ، به حالت اولیه چسبیده جهان اشاره کرد

- پیش از کشف انرژی تاریک، از گسترش جهان با قدرت سخن گفت



آیا این هماهنگی شگفت انگیز میان آیات قرآن و کشفیات علمی جدید، نشانه‌های از علم بی پایان پروردگار نیست؟ همانگونه که در سوره فصلت آیه ۵۳ آمده است: "به زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها و در جان‌هایشان به آنان نشان خواهیم داد..."

این تطابق‌های علمی قرآن با یافته‌های جدید بشری، نه تنها بر حقانیت این کتاب آسمانی مهر تأیید می‌زند، بلکه ما را به تأمل بیشتر در آیات الهی و مطالعه عمیقتر کائنات فرا میخواند.





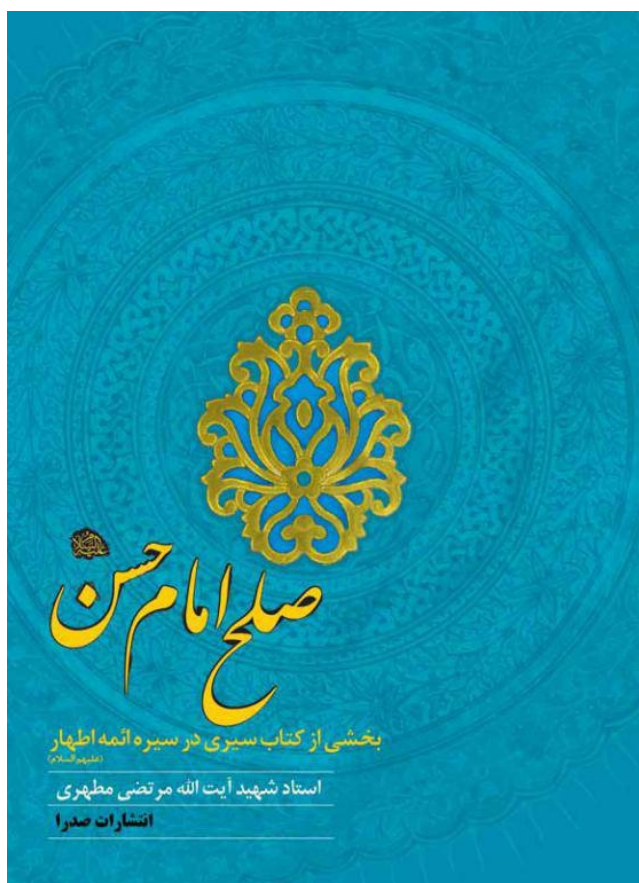
بـرش کتاب

صلح امام حسن (علیه السلام)

نویسنده: مریم علی نیا

صلح امام حسن (علیه السلام) اثری از آیت الله مرتضی مطهری است که به بررسی مسئله صلح امام حسن (علیه السلام) با معاویه میپردازد؛ مسئله ای که همواره مورد پرسش بوده و به ویژه در دوران معاصر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است، بی و نه وقتی با قیام امام حسین (علیه السلام) و خودداری ایشان از بیعت با یزید مقایسه میشود.

این اثر شامل دو سخنرانی همراه با بخش پرسش و پاسخ است. سبک بحث استاد، همچون دیگر آثار ایشان استدلالی، عمیق و با بیانی روشن و گویاست. آیت الله مطهری در آغاز، به تبیین کلیاتی درباره مفهوم جهاد در اسلام میپردازد و سپس با تحلیل دقیق تاریخی، علل صلح امام حسن (علیه السلام) و چرایی قیام امام حسین (علیه السلام) را بررسی میکند.



فصل نگار

فعالیت نشریه ملجأ در فصل بهار

فعالیت هیئت خادمین اهل بیت در فصل بهار

گزارش فعالیت‌های نشریه ملجأ



نشریه ملجأ به مناسبت میلاد با سعادت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) و روز دختر، ویژه نامه ای اختصاصی منتشر کرد. این ویژه نامه با هدف تبیین جایگاه والای دختر مسلمان و معرفی اسوه های عفاف و حیا تهیه و منتشر شد.




موسسه اسناد و کتابخانه ملی
پروفسور بنت الهدی صدر قزوین



واحد پژوهش پردیس بنت الهدی صدر
با همکاری هیئت تحریریه نشریه "ملجأ" برگزار می‌کند
کارگاه آموزش اصول و مبانی ویراستاری
با سخنرانی سرکار خانم دکتر عاطفه امیری فر
(مدرس دانشگاه فرهنگیان قزوین)
با اعطای گواهی حضور
زمان برگزاری: دوشنبه ۸ اردیبهشت ساعت ۱۷:۳۰
مکان برگزاری: ساختمان آموزشی
پردیس شهیده بنت الهدی صدر قزوین



همچنین، این نشریه به همت واحد پژوهش پردیس بنت الهدی صدر قزوین، سلسله کارگاه‌های آموزشی «آشنایی با اصول و مبانی اولیه ویراستاری فنی و ساختاری» را برگزار نمود. این کارگاه‌ها با هدف ارتقای سطح کیفی محتوای نشریات و تقویت مهارت‌های نویسندگان و ویراستاری اعضا تشکیل شد. این برنامه‌ها با استقبال خوب دانشجویان مواجه شد و گامی مؤثر در جهت رشد علمی و فرهنگی اعضا بود.

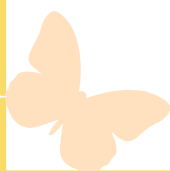


دانشگاه فرهنگیان
واحد پژوهش پردیس بنت الهدی صدر با
همکاری هیئت تحریریه نشریه "ملجأ"
برگزار می‌کند

*سلسله کارگاه آموزش اصول و مبانی
ویراستاری فنی و ساختاری*

با سخنرانی سرکار خانم دکتر عاطفه
امیری فر (مدرس دانشگاه فرهنگیان قزوین)
با اعطای گواهی حضور

زمان برگزاری: دوشنبه ۱۵ اردیبهشت
ساعت ۱۷:۳۰
مکان برگزاری: ساختمان آموزشی پردیس
شهیده بنت الهدی صدر قزوین - کلاس ۱۳



هیئت خادمین اهل بیت (علیه السلام) در فصل بهار:

این مراسم با حضور گسترده و پر شور دانشجویان برگزار شد، حضوری که از دلتنگی دل‌ها برای فضای معنوی هیئت دانشگاه پس از ایام تعطیلات حکایت داشت.

سخنرانی پرمحتوا و مداحی دل‌نشین این مراسم، تلاشی مؤثر در جهت آشنایی بیشتر دانشجویان با سیره و مقام اهل بیت علیهم السلام بود.



در نخستین جلسه پس از ایام تعطیلات، اگرچه جمعیت کمتری حضور داشت و فعالیت تنها به واحد خواهران محدود می‌شد، اما برای آن که یاد اهل بیت (علیهم السلام) از خاطرها نرود و قرار هفتگی مان توک نشود، تصمیم گرفتیم محفلی صمیمانه و دخترانه برگزار کنیم.

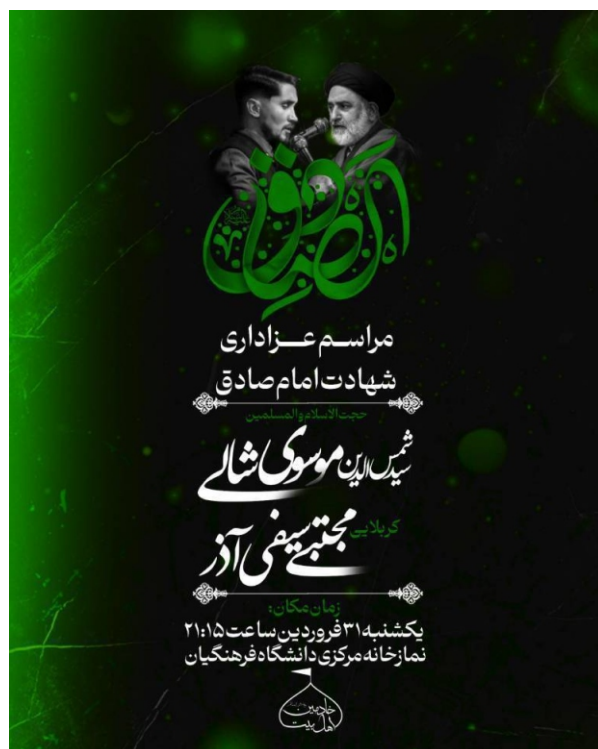
در این محفل معنوی، ابتدا صفحه‌ای از قرآن کریم تلاوت شد، و پس از آن زیارت پرفیض عاشورا، دل‌ها را به کربلا پیوند زد.

با وجود سادگی مراسم، فضای مجلس آکنده از نور و صفا بود و خوشبختانه با استقبال گرم و حضور پر شور دانشجویان همراه شد.





این مراسم با حضور پر شور جمع زیادی از دانشجویان و گزار شد، از نکات خوب این محفل، بخش تدرکات بود که با ایده‌ای خلاقانه، دمنوشی از گیاه پفرک را تدرک دید، دمنوشی بارنگی رویایی و طعمی دل‌نشین که نگاه همگان را به تحسین واداشت. این ابتکار ساده اما متفاوت، نشانی از پویایی و ذوق اعضای هیئت بود که تحسین حضاران را برانگیخت و به مراسم رنگی تازه بخشید.



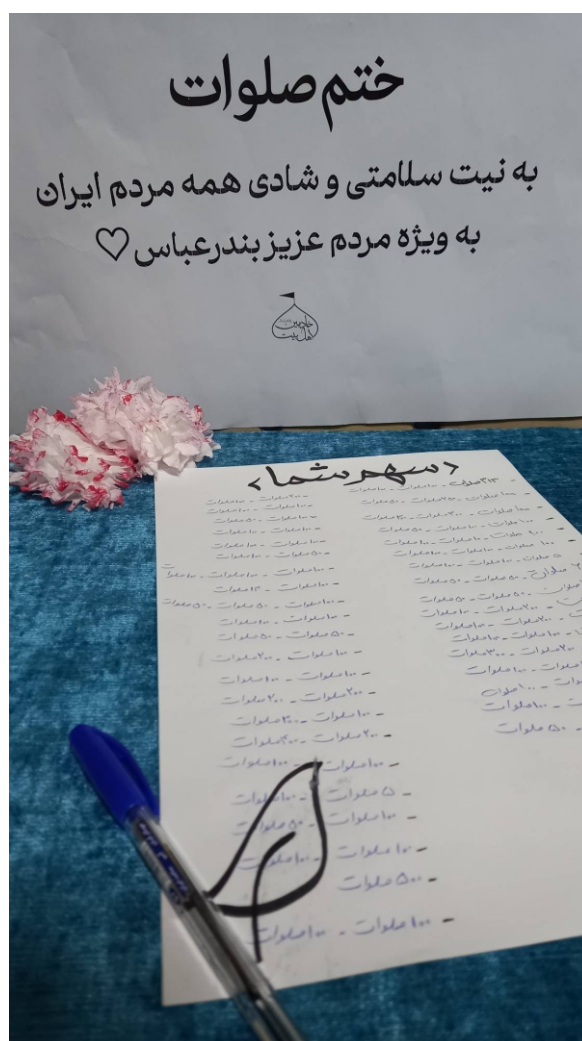
مراسم ولادت حضرت معصومه (س) با برنامه‌های معنوی و گزار شد

در این مراسم، زیباسازی نمازخانه با ایده‌های خلاقانه دختران هیئت، جلوه‌ای از جایگاه دختران را به نمایش گذاشت. همچنین، فعالیت‌های تدرکات در خوابگاه و نمازخانه، شأن این روز بزرگ را به شکلی اثرگذار نمایان کرد و مورد استقبال دانشجویان قرار گرفت.





مراسم روز دختر مصادف بود با حادثهٔ انفجار در بندر شهید رجایی بندرعباس به این دلیل در جمعی صمیمی و معنوی، با ختم ۱۴۲۰۷ صلوات، دعایی خالصانه برای سلامتی و شادی تمامی هموطنان، به ویژه مردم داغدیده بندرعباس نثار کردیم.



در هیئت خادمین اهل بیت (علیه السلام) برای دانشجویان کر آفرین و هنرمند که تولیدات اصلی خودشان را داشتند این فرصت فراهم شد تا در غرفه های تعبیه شده به منظر عموم بگردانند و به فروش برسانند





مراسمی به یادماندنی با تلاش جمعی

یک هفته تلاش بی وقفه و برنامه ریزی دقیق تمام اعضا، از تدرکات منسجم تا فضاسازی چشم نواز و برنامه ریزی فرهنگی خلاقانه، به برپایی مراسمی بینظیر انجامید. نمازخانه با نور و معنویت آراسته شد و خاطره‌ای ماندگار در دل هیئت ثبت گردید.



تجمع هیئات دانشجویی استان قزوین
به مناسبت جشن ولادت امام رضا (ع)

حجت الاسلام
سید مصطفی مجیدی
قاری کربلایی
علی غلامی علی بریلو
کربلایی
مجتبی سیفی آذر

زمان: یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ساعت ۲۱:۰۰
مکان: نمازخانه مرکزی دانشگاه فرهنگیان



این مراسم درست پس از ایام پروکت ولادت امام رضا (علیه السلام) و حضرت معصومه (سلام الله علیها) برگزار گردید. اگرچه شاید به دلیل فشردگی و تعدد برنامه‌ها و شاید به دلیل فرارسیدن فصل امتحانات، استقبال جمعیتی چندان گسترده نبود، اما از آغاز، نیت ما بر اساس تعداد نبود، آنچه برایمان اهمیت داشت، انتقال محتوایی ناب و اثرگذار بر دل‌ها بود، گاهی اوقات روضه در عین غربتش زیباست.

درد محمد رسول خدا و زود ارم

روضه هفتگی به نیت فرج

سخنران:
مجتبی رسول الله و مسلمانین
نجمتی

بانوای:
کربلایی علی ایاقلی

زمان و مکان:
یکشنبه ۱۴ اردیبهشت ساعت ۲۱:۰۰
نمازخانه مرکزی دانشگاه فرهنگیان




شهید آیت الله رئیسی — نامی که با خدمت، اخلاص و ایستادگی در ذهن ها و دل ها جاودانه شده. می خواستیم مراسم در شأن این بزرگ مرد و یاران همراهش باشد، فرصتی هر چند کوچک برای قلدانی از زحمات و مجاهدت های بی دریغ ایشان.



آخرین مراسم فصل بهار، به نام و یاد امام جواد (علیه السلام)، آقزاده غریب اما سر بلند ایران، و گزار شد. هر چند که خوابگاه ها رنگ خلوتی گرفته بودند و بسیاری از دانش جویان رفته بودند، اما نگذاشتیم مجلس این امام مظلوم، در سکوت و غربت بگذرد. و این گونه بود که فصل بهار هیئت با عطر یاد امامی غریب اما عزیز، به پایان رسید.





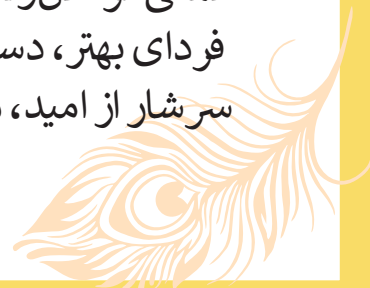
گزارش فعالیت های اجرا شده واحد فوق برنامه هیئت خادمین اهل بیت علیهم السلام:

در طول فصل بهار، واحد فوق برنامه هیئت خادمین اهل بیت (ع) تلاش کرد تا با برگزاری جلسات هفتگی شبی برای توسل، فضایی معنوی و صمیمی را برای دانشجویان فراهم کند. این محافل که سه شنبه شب ها برگزار می شدند، با قرائت دعای توسل آغاز شده و سپس با پذیرایی ساده اما گرم، حال و هوای معنوی مراسم را تکمیل می کردند. این جلسات نه تنها فرصتی برای دعا و نیایش، بلکه بستری برای همدلی، تقویت روابط دوستانه، و انسجام روحی میان شرکت کنندگان بود.

در این دوره، مناسبت های مذهبی و اجتماعی مهمی نیز در این مراسم ها گرامی داشته شد. در سالروز شهادت امام محمد تقی (ع)، محفل دعا با فضایی خاصی همراه بود، و دانشجویان با عشق و اخلاص، یاد این امام بزرگوار را زنده نگه داشتند. همچنین، مراسمی به یاد شهید احمد بابایی برگزار شد، که با قرائت دعا و ذکر خاطرات این شهید، تلاش های او در مسیر حق و خدمت به جامعه پاس داشته شد.

در کنار این موارد، یاد شهدای خدمت نیز در یکی از جلسات گرامی داشته شد، که در آن دانشجویان با قرائت زیارت عاشورا و دعا برای روح این عزیزان، لادت خود را به خدمتگزاران راستین این مرز و بوم نشان دادند. در پی حادثه ی تلخ انفجار در بندر شهید رجایی و شهادت مظلومانه مردم اسکله، هیئت با برگزاری محفل و نثری، این فاجعه را یادآور شد و با قرائت دعا و نیایش، برای آرامش روح جان باختگان و صبر خانواده هایشان دعا کرد. علاوه بر این، پویش کمک مالی به آسیب دیدگان حادثه راه اندازی شد، تا از طریق حمایت های جمعی، گوشه ای از بار مشکلات این عزیزان کاسته شود. این حرکت نشان داد که جلسات توسل، نه تنها محلی برای ارتباط معنوی، بلکه بستری برای اقدام عملی و حمایت اجتماعی است. دانشجویان، با همراهی و همدلی، تلاش کردند تا محبت و یاری را در کنار عبادت و دعا جاری سازند.

در هفته های پایانی ترم، جلسات شبی برای توسل با نیتی متفاوت برگزار شد؛ دانشجویان در دو جلسه ی پایانی، برای موفقیت خود و دوستانشان در امتحانات و تمامی مراحل زندگی دعا کردند. این محافل، به مکانی تبدیل شد که هر فرد با امید به فردای بهتر، دست دعا برداشت و از خداوند طلب یاری کرد. دانشجویان، با دل های سرشار از امید، در کنار هم نیایش کردند تا مسیر پیش رویشان با نور الهی روشن شود.



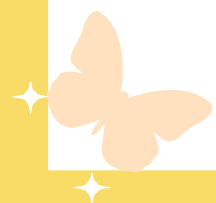


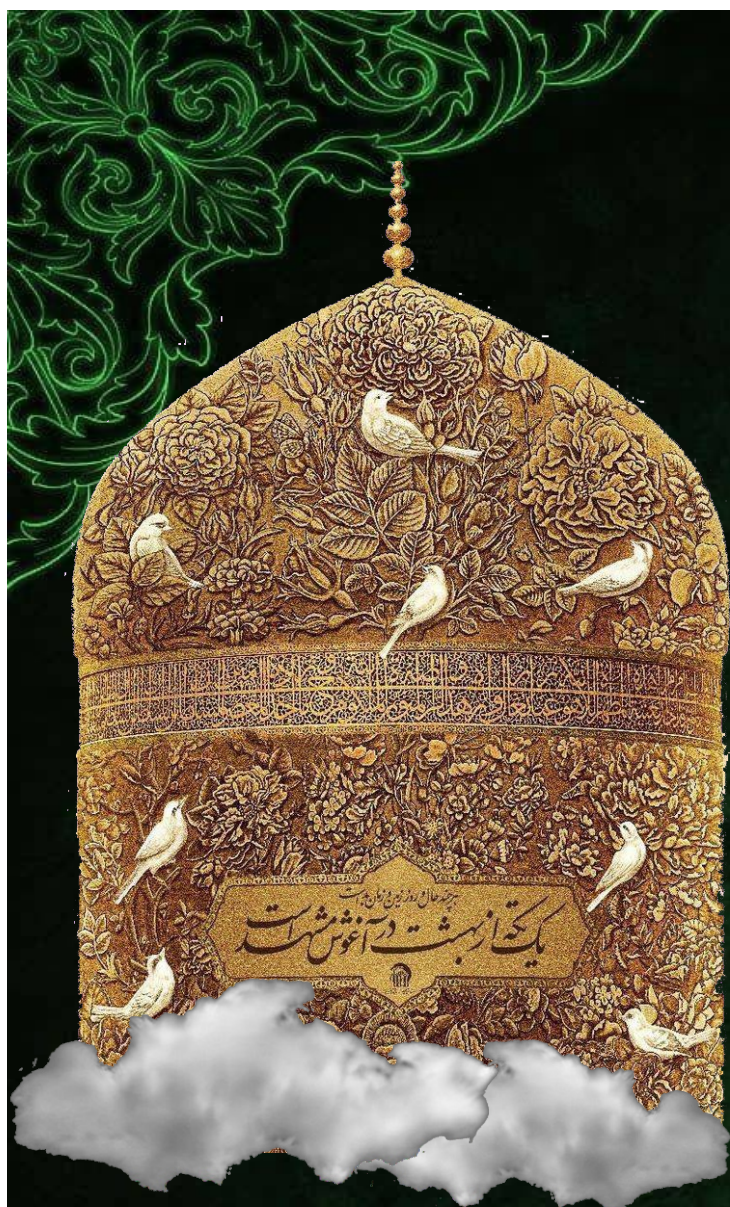
گزارش فعالیت های اجرا شده واحد فوق برنامه هیئت خادمین اهل بیت علیهم السلام:

این جلسات پایانی، حال و هوای ویژه ای داشت؛ هر کسی که دلش پر از آرزو بود، در این جمع دعا کرد تا با توفیق الهی، تلاش هایش به ثمر برسد.

مراسم شبی برای توسل در بهار امسال، بیش از همیشه، فضایی از عشق، معنویت، همدلی و حمایت اجتماعی را میان دانشجویان زنده نگه داشت. این جلسات، نه تنها لحظاتی برای دعا، بلکه فرصتی برای ارتباط قلبی، رشد معنوی، و حرکت در مسیر خیر و برکت بودند. امید است که این محافل همچنان ادامه یابند و نور و برکتشان در دل های همگان باقی بماند.

والسلام
فاطمه ذوالقدر





ای حرمت
ملجأ درماندگان...

پایان
با تشکر از همراهی شما
التماس دعا

